



نعمت مرادی

نویسنده و منتقد

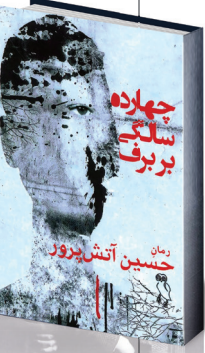
یادداشت

نقدی بر رمان «چهارده سالگی بر برف»

خود شیفتگی اصطلاحی است که اولین بار فروید آن را به کار برد. شهاب سمیع آذر شخصیت اصلی و خود شیفته و خود بزرگ بین رمان «چهارده سالگی بر برف» نوشته حسین آتش پرور است که خود را یکی از بزرگ ترین شاعران و نویسندگان ایران می داند. دوم، خودسوزی استاد شهبایی در یکی از شلوغ ترین خیابان های مشهد به اسم سه راه راهنمایی که در آن جلو چشم رهگذران به زندگی اش خاتمه می دهد. سوم، این عوامل باعث می شود که رمان نویسنده، ناتمام باقی بماند.

به همین دلیل نویسنده برای پایان دادن به این رمان، بازیگر تئاتری را با کمک دوستش برای جایگزین کردن شخصیت سمیع آذر پیدا می کند. او شخصیتی متوهم است که در تفکرات خیال بافانه خود، به شکلی افراطی فکر می کند که عده ای ناشناس به دنبال کشتن و ترور او هستند. شهاب سمیع آذر می پندارد، هنر نزد او است و بیس و تمام هنرهای ایرانی در وجود او شعله ور شده است. در کل او شخصیتی است همه کاره و هیچ کاره و مبتلا به خود شیفتگی مزمن و خود بزرگ بینی حاد. در اینجا نه فقط او؛ بلکه تمام شاعران محفلی، از زیر تیغ نقد آتش پرور دور نمانده اند و مورد انتقاد و جراحی خاصی قرار گرفته اند. انتخاب آتش پرور انتخاب درست و به جایی است. او شخصیت هایش را واکاوی کرده است و از چوون و چرای رفتارهای درونی و بیرونی آنها به شکلی کاملاً آگاهانه بهره برده است. بیشتر دانشمندان معتقدند که تکبر مشخصه اصلی تشخیص اختلال شخصیت خود شیفته از دیگر اختلالات مربوط است که علامت مشابهی دارند. انتخاب آگاهانه شهاب سمیع آذر و بعد، جایگزین کردن سعید آیتوس که او هم از لحاظ ساختار رفتاری آدمی همه فن حریف است، انتخاب هوشمندانه ای است. این

انتخاب و تشابه رفتاری این دو شخصیت هم در فرم اثر هم در پیشبرد رمان کمک شایانی کرده است. این دو شخصیت، احساس بزرگ منشانه مبینی برهمه دانستن خود را دارند. از تعریف و تمجید سیر نمی شوند. غالباً نسبت به سایرین حسادت می ورزند و یا بر این اعتقادند که دیگران به آنها حسادت می کنند. نتیجه همه اینها



همان خود کشی می شود که به آن اشاره شد. بزرگ ترین اتفاق در زندگی شخصیت هایی از این دست، باید مبارزه کردن با همین توهم ها و خود بزرگ بینی های منفورانه باشد. ایشان ۲۵ نمونه شاهکار ادبی خلق کرده است که همگی نایاب هستند. و وضعیت، همان وضعیت متناقض و ناپایداری می شود که گریبان همه شان را می گیرد. هیچ کس سرجای خود نیست و مدام شخصیت ها در حال عوض کردن و جایگزین شدن هستند. دومین مسأله که مهم ترین مسأله هم در این رمان است، مسأله (وضعیت ناپایدار) است. وضعیت ناپایداری که در وجود تک تک شخصیت های این رمان جا خوش کرده است. تغییرات و جابه جایی های مداوم، که نه فقط در رمان چهارده سالگی بر برف، بلکه وضعیت انسان مدرن است. در فنومولوژی، تاکید بر تجربه ذهنی فرد به عنوان مبنای اصلی در ادراک واقعیت است. این واقعیت درک شده به شدت وابسته به زمان است و هرگونه تغییر در زمان به معنای تغییر در واقعیت است. لذا بر اساس آنچه هایدگر ترسیم می کند هرگونه تصوری که انسان از جهان و واقعیت داشته باشد از طریق «تجربه زمانی» رخ می دهد و این همان معنای ناپایداری و تغییر پیوسته در امر واقع است. وضعیتی که به صورت مداوم در رمان در حال تغییر است. آقای آتش پرور در این رمان تمام جوانب را سنجدیده است و به تک تک اتفاق ها و جابه جایی ها و تغییر اسم ها فکر کرده است. چه از لحاظ زمانی و چه از لحاظ زیستی و چیزی از دریچه فکری و نگاه او در این مسأله، برای ایجاد کردن این (وضعیت ناپایدار) در رمان چهارده سالگی بر برف دور نمانده است. آتش پرور بیشتر در ایجاد همین (وضعیت ناپایدار) در بطن اثر، به وسوسه ایجاد بینامتنیت به تپهی بودگی خود) یعنی اقرار شخصیت ها برای ایجاد یک دیگری متفاوت و نابغه و فرورفتن در آن نقش یعنی همان تپهی بودگی خویش را برگرده می کشند.

این وضعیت یعنی رفتن در نقش یک دیگری برای ایجاد یک تولد. ایجاد دیالوگ و گفتنمان ها و قراردادن آنها در وضعیتی پوچ، برای پیروسه همین تولد های کاذب است. تولد پرویزها و جمشیدها با دکمه های رنگی. (رویا منم. من را ببین) تولد این شخصیت ها یعنی همان پرتاب شدگی، همان اضطراب، همان تپهی شدگی از خود و رفتن در نقش دیگری. در این حالت اضطراب یعنی ناپایداری. پرتاب شدگی یعنی حالت بالفعلی که نشان دهنده بودن ماست. در مفهوم ناپایداری شخصیتی، شخصیت ها بنابه به موقعیت های زمانی و مکانی و خانوادگی با نوسانات زیستی قابل توجهی دست و پنجه نرم می کنند.

چهارشنبه

۱۴۰۲ • ۱۲ • ۰۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

armanmeli.ir

نویسنده زیر خط فقر

شمارگان متوسط آثار ادبی در کانال ۶۰۰ نسخه



آرمان ملی - هادی حسینی نژاد: افزایش قیمت، کاهش شمارگان و مخاطبان بالقوه ای که روزه بروز دارد ایره فرهنگ مکتوب و کتابخوانی بیرون می روند و به دامان فضای مجازی و شبکه های اجتماعی پناه می برند... این تصویر دهشتناکی است که با اندکی تمرکز و توجه به آمارها و ارقام رسمی نشر، مقابل دیدگانمان پدیدار می شود. این در شرایطی است که سیاستگذاران و مدیران فرهنگی جز راهکارها و ایده های قدیمی، آلترناتیو جدیدی برای احیا و تقویت عرصه فرهنگ مکتوب و چرخه نشر ارائه نمی دهند.

شمارگان ۷۹۴ نسخه ای؛ جمعیت ۹۰ میلیونی

قیمت در بازار کتاب، همچنان بالا و صعودی است. این را اعداد و ارقام رسمی در حوزه نشر که از سوی خانه کتاب احصا و منتشر می شود، می گوید؛ خصوصاً اگر در مقایسه هایمان بهای متوسط کتاب در سال جاری را با سال های گذشته مقایسه کنیم، بیشتر از این سیر صعودی پرده برداشته خواهد شد. طبق آخرین آمار منتشر شده که به دی ماه ۱۴۰۲ اختصاص دارد، قیمت متوسط کتاب در این ماه یک میلیون و ۴۵۲ هزار ریال محاسبه شده در حالی که این رقم در دی ماه سال گذشته، ۵۰۳۱ درصد ارزان تر؛ یعنی ۹۹۵ هزار و ۴۲۹ ریال بوده است. متوسط شمارگان نیز در این ماه نسبت به ماه مشابه در سال قبل ۲۲ درصد رشد منفی داشته و از ۱۰۲۰ نسخه به ۷۹۴ نسخه کاهش یافته است.

طبیعتاً با در نظر گرفتن مصائب و تنگناهای اقتصادی، توان خرید کتاب تا حد قابل توجهی کاهش داشته است و چنانچه اشاره شد، نمود روشن آن را می توان در کاهش شمارگان متوسط کتاب ملاحظه کرد. البته این رقم در حوزه کتاب های عمومی (با منکف کردن آمار کتاب هادر حوزه کمک آموزشی و کودک و نوجوان) به مراتب پایین تر است و به ۶۷۴ نسخه تنزل پیدا می کند که با در نظر گرفتن جمعیت قریب به ۹۰ میلیون نفری ایران، رقمی به شدت نگران کننده ای به شمار می آید.

نهاد های به نام «کاغذ»

افزایش قیمت در بازار کتاب، مستقیماً از

کاهش شمارگان و افزایش قیمت در گروه ادبیات

از آنجا که علاقه مندی مخاطبان به آثار ادبی، همواره کتاب های دسته بندی شده در گروه ادبیاتی را جزو پر عنوان ترین و پر شمارترین گروه ها قرار داده، چه بسا بررسی آمارهای اختصاصی کتاب های ادبی (اعم از شعر و داستان...) نمای بهتری را از مطالعه کتاب در جامعه به دست دهد. مطابق با آمار منتشر شده در دی ماه ۱۴۰۲ مجموعاً ۱۵۲۴ نوبت (۹۰۴ عنوان جدید و ۶۲۱ عنوان تجدید چاپی) در شمارگان کل ۹۹۵ هزار و ۹۰۲ نسخه به انتشار رسیده که شمارگان

متوسط ۶۵۳ نسخه ای را رقم زده است. این آمار در شرایطی منتشر می شود که آمار نشر ماه مشابه در سال ۱۳۹۷ (یعنی ۵ سال پیش) از شمارگان متوسط ۱۰۶۵ نسخه ای کتاب های گروه ادبیات حکایت داشت. البته که این کاهش ۶۲ درصدی در سایه افزایش ۶۷۷ درصدی قیمت کتاب های ادبی رخ داده است؛ به طوری که میانگین قیمت این گروه دویتی در سال ۱۳۹۷ بالغ بر ۱۸ هزار و ۷۰۰ تومان اعلام شد و در دی ماه سال جاری این رقم با افزایش ۷۰ درصدی، از مرز ۱۲۵ هزار تومان نیز گذشته است.

اهل قلم و رؤیای حرفه ای گری

نویسنده گری در ایران، شغل نیست؛ به عبارت دیگر اهل قلم نمی توانند تنها از طریق تالیف و حتی ترجمه (ارتزاق) کنند. در این شرایط، طبیعتاً نمی توان چندان به رشد و پیشرفت کیفی آثار، چندان امیدوار بود؛ چرا که چنین مطالبه ای تنها در شرایطی تحقق می یابد که اهالی قلم امکان فعالیت حرفه ای داشته باشند. مطابق با آخرین آمارها - یا احتساب شمارگان متوسط ۶۵۳ نسخه ای، مجموعاً ۱۴۵ هزار تومان و سهم حداکثری ۱۰ درصد از فروش - درآمد متوسط یک نویسنده یا مترجم از فروش تمام نسخه های

منتشر شده از یک عنوان، به زحمت از مرز ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خواهد گذشت. این در شرایطی است که دولت در فروردین ماه ۱۴۰۲ گذار از خط فقر را منوط به دریافت دستمزد ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در ماه اعلام کرده است. به عبارت دیگر و چنانچه یک نویسنده یا مترجم، ماهانه یک عنوان کتاب را به انتشار برساند و توفیق فروش کامل شمارگان را داشته باشد، همچنان نیز خط فقر است. البته پرواضح است که چنین فرضی حتی روی کاغذ نیز محال ممکن خواهد بود؛ زیرا پرکارترین نویسندگان و مترجمان نیز نمی توانند بیش از ۳ عنوان کتاب در سال تولید و روانه بازار نشر کنند؛ آن هم در شرایطی که فروش کامل نسخه ها در یک سال، قابل تحقق نیست. با این حساب اگر قرار از خط فقر با دریافت سالانه ۱۷۴ میلیون تومان محقق شود؛ درآمد حداکثری اهالی قلم در طول سال، در خوشبینانه ترین حالت به ۳۰ میلیون تومان نیز نخواهد رسید. بنابراین: تبدیل شدن نویسنده گری و حتی ترجمه ادبی به یک شغل تمام عیار، رویایی دور از ذهن و غیر قابل تصور به نظر می آید.

شناکردن خلاف مسیر رودخانه

اما افزایش بهای تمام شده کتاب، کاهش توان



خرید، شمارگان اندک و دستمزد ناچیز و... تنها موانع پیش روی اهالی قلم و فعالان چرخه نشر در حلقه های مختلف نیست. فعالان در این حوزه علاوه بر موارد مورد اشاره، باید به شکل موازی در میدان های دیگری نیز بجنگند. رشد افراط گونه فضای مجازی و شبکه های اجتماعی یکی از اصلی ترین موانع پیش روی نشر است که در غیاب سیاست گذاری ها و فرهنگ سازی های اصولی، روزه بروز بر فراوانی آن افزوده می شود. این غائله، محرک دیگری نیز دارد که همانا ضرورت گذار از گیر و گرفت های ممیزی و اخذ مجوز انتشار است. تا جایی که تشدید مواضع ممیزی و اعمال ملاحظات سختگیرانه، بیش از پیش در تنور انتشار مطالب و آثار در فضای مجازی می دمدم و جاگیر اصلی نشر را با مخاطره مواجه می کند. در این شرایط طبیعی است که مخاطبان بالقوه ترجیح خواهند داد اندک زمان فراغت خود را صرف مطالعه مطالب اینترنتی کنند، تا تقبل هزینه کتاب و... بی شک با تداوم این موقعیت و سایر موارد مورد اشاره در این متن، استمرار سقوط نمودارها و آمارهای نشر حتمی است؛ آن هم در نبود آلترناتیوهای فرهنگی و یافشاری بر همان سیاست های چندین و چندساله.

نگاهی به مجموعه داستان «چیدن یال اسب وحشی»

روایت های متفاوت همدلی



فاطمه احمدی آذر منتقد



مجموعه داستان کوتاه «چیدن یال اسب وحشی» (۱۳۹۸) از علی صالحی بافقی (زاده ۱۳۵۴)، برنده جایزه مهرگان ادب ۱۴۰۲ برای مجموعه داستان کوتاه برگزیده شد. این اثر ادبی، پیش تر از منظر مدرنیسم و نگاه نسبی به واقعیت مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. این مجموعه، متشکل از هشت داستان کوتاه است که هر کدام در پایان خواننده را با حقیقتی شوکه کننده مواجه می کند. صالحی بافقی، شخصیت هایی را به تصویر می کشد که گرفتار نوعی از رنج و درد هستند. نویسنده، خواننده را با شخصیت های خود همراه می کند؛ او همانند یک روان - پزشکی، به مخاطب خود اجازه می دهد تا با افکار و گفته های شخصیت ها همراه شود تا بتواند اندک روان زخم افراد درون داستان را تشخیص دهد. در داستان کوتاه «چیدن یال اسب وحشی»، پنج دوست از زندان گنبد آزاد می شوند؛ یحیی، صابر، محمد علی، آقای عبوضی و کمال. هر پنج دوست در جاده ای متروکه به سمت شهر حرکت می کنند تا اینکه نیسانی بایک اسب سیاه در پیشش به آن ها نزدیک می شود. آن ها سعی می کنند نیسان را ننگه دارند. اما، نیسان با آن ها تصادف می کند. راننده نیسان و شاگردش، صابر، محمد علی و آقای عبوضی می میرند. کمال گویا به درون بونه های تمشک افتاده است و یحیی هر قدر تلاش می کند، او را پیدا نمی کند. ساعت های گذرد و هیچ کس از جاده رد نمی شود تا آن ها را پیدا کنند. یحیی از ترس گیر افتادن دوباره، اسب را آزاد می کند و از آن جا می رود. دیری نمی گذرد که اسب نیز به دنبالش می آید. در این بین، یحیی رویاهایی درهم و برهم نیز می بیند. عاقبت، نوعی صلح و دوستی بین یحیی و اسب وحشی برقرار می شود. یحیی که دیگر قادر به راه رفتن نیست، روی اسب می نشیند و از او می خواهد تا او را به جای دنجی ببرد. صالحی بافقی، داستان را از زاویه دید یحیی روایت می کند. شخصیت های این داستان تبهکار هستند. اما، آنچه در ذهن یحیی، گذشته و رویاهایش می گذرد، اعتماد مخاطب را به خود جلب می کند. نویسنده، همدردی را در مقابل همدلی قرار می دهد. همدلی به معنای درک احساس و درد طرف مقابل است؛ اما، همدردی نوعی قضاوت و ترجمه با خود به همراه دارد. وجه مشترک همه داستان های کوتاه این مجموعه، همدلی با شخصیت هایی است که لزوماً ممکن است هیچ وجه اشتراکی با مخاطب نداشته باشند. از این رو، اثر صالحی بافقی، درک عمیق تری از روان زخم های انسان ها به مخاطب خود می دهد. سوزان کین (زاده ۱۹۶۳)، نویسنده، شاعر، پژوهشگر و نظریه پرداز ادبی آمریکایی است. او بیشتر شهرت خود را مدیون نظریه ادبی جنجال برانگیز خود با عنوان «همدلی روایت» است. او مقاله ها و مطالب زیادی برای درک بهتر جنبه های متفاوت همدلی روایت نوشت که عاقبت منجر به چاپ کتاب همدلی و رمان (۲۰۰۷) شد. کین به طور کلی بحث می کند که نویسنده های اثرهای ادبی جز افراد همدل هستند. او با پژوهش روی فعالیت نورون های مغزی به این نتیجه رسید که احساس همدلی، بخش هایی از مغز فرد همدل را فعال می کند. مشخصه های موروثی و پس زمینه های فرهنگی و پیشینه های تاریخی درک احساسات، خواننده یک اثر ادبی را تحت - تاثیر قرار می دهند. کین در مقاله خود به کتاب ای. بی. تیتچنر نیز ارجاع می دهد و می نویسد: «ما ذاتاً تمایل داریم تا ادراک یا تصور آتمان را احساس کنیم. وقتی در یک کتاب درباره جنگل مطلبی می خوانیم، خودمان

آرمان ملی

ادبیات

۷

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹

۱۸ شعبان ۱۴۴۵ / ۲۸ فوریه ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۷۷۹